

#### مفهوم‌شناسی

ارائه تعریفی جامع، روشن، یکدست و مورد اجماع از پست مدرنیسم امری غیر ممکن است. پست مدرنیسم را نباید به مثابه مکتبی فکری با دیدگاهی منسجم، کامل و جامع درباره مسائل در نظر گرفت (دایره‌المعارف مطالعات برنامه درسی، ۲۰۱۰: ص ۶۶۶). پست مدرنیسم پیچیده‌تر از آن است که به تعریفی معین تن در دهد. از سویی با مدرنیسم ضدیت دارد اما نامش را از آن می‌گیرد؛ از سویی با خردورزی و منطق مخالف است، اما می‌خواهد حرف و ادعای خود به یاری منطق به کرسی بشناند. از نظر برخی از صاحب‌نظران مانند اسلتری (۲۰۰۶) تا حدودی درباره معنای پست مدرنیسم ابهام وجود دارد؛ اما آنچه مسلم است، این است که این اندیشه بیانگر نوعی احساس سردرگمی انسان در عصر مدرنیسم است. از نظر لاتر<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، در دوره فرا نوگرایی (پست مدرنیسم) بر مشارکت، گفتگو و ساختارهای متکثر قدرت تأکید دارد و بنابراین ساختارهای سلسله مراتبی و دوگانه‌نگری مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در این زمینه دو نظر کلی و اساسی وجود دارد، دیدگاه نخست بر آن است که پست مدرنیسم نوعی بازنگری به مدرنیسم است. در واقع، پست مدرنیسم بر فراز مدرنیسم جای دارد (باقری، ۱۳۷۵). از این دیدگاه، پست مدرنیسم مرحله‌ای جدید نیست. برای مثال «کرکا» (۱۹۹۷) بر آن است که پست مدرنیسم نتیجه واکنش، انتقاد و پرسش از رویه مدرنیست است. در دیدگاه دوم، پست مدرنیسم یک جنبش فکری معاصر است، جدا از مدرنیته بر پایه این دیدگاه، پست مدرنیسم یک مرحله تاریخی نوین است (کوهن، ۱۹۹۶). پست مدرنیسم به‌عنوان

نظریه، با شاخص‌هایی مانند نابوری به عینیت، عدم‌اعتماد به استدلال‌های جهان شمول فلسفی، نفی روایت‌های کلان، حمایت از روایت‌های بومی، بازی‌های زبانی و نظام‌های تبارشناسانه شناخته می‌شود. پست مدرنیسم جریان فرهنگی فراگیری است که به بسیاری از اصول و فرضیاتی که در طول چند دهه اخیر بر تفکر و حیات اجتماعی جامعه غرب حاکم بودند، با دیدی شکاکانه نگاه می‌کند. پست مدرنیسم را نمی‌توان فقط جنبشی سیاسی، فلسفی یا زیبایی‌شناختی انگاشت (مارشال و پیترز، ۱۹۹۴). بلکه بهتر است آن را به‌مثابه طرح عقلانی پیچیده‌ای از تفکر و عمل قرن بیستم و پس از آن در نظر گرفت. مشهورترین تعریف از پست مدرنیسم را «ژان فرانسوالیوتار» دارد: پست مدرنیسم نوعی بی‌اعتقادی و نابوری به فراروایت‌ها است. از این دیدگاه، پست مدرنیسم جنبشی چندمنظوره است که نارضایتی خود را از دانش و عقیده‌ای که خویش را جهانی می‌انگارد، اظهار می‌دارد (گود، ۱۹۹۶). در آغاز پست مدرنیسم جنبشی در معماری بود که مدرنیسم را پس زد (مک لین و همکاران، ترجمه نوری زاده، ۱۳۸۲). نیچه با نقشی حیاتی در در ظهور پست مدرنیسم اعتقاد دارد: «چیزی به نام عینیت وجود ندارد به‌خصوص عینیت علمی، آنچه هست، تفاسیری است که از دیدگاه‌های مختلف بیان شده است. هایدگر بسان نیچه، بر خردورزی حمله کرد ولذا از این دو به‌عنوان نیاکان پست مدرن نام برده می‌شود (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

#### اقسام پست مدرن

وقتی پست مدرنیسم تعریفی قطعی ندارد و تعبیری مشخص نمی‌پذیرد، طبقه‌بندی انواع و شناختن گونه‌های آن هم نسبی و تقریبی است. با این حال تقسیم‌بندی آن به شکاک و ایجابی (تصدیقی) به دلیل طرح موضوع‌های مختلف به نظر کامل تر و مناسب تر است (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

3 . Marshall & Peters.

1 - Lather  
2 . Krka

**پست مدرنیسم شکاک:** از مشخصه این نوع پست مدرنیسم بدبینی و منفی‌نگری بر پایه این استدلال است که عصر پست مدرن، عصر چندپارگی، خرد شدگی، بی‌قراری، بی‌مفهومی، وحتىی غیبت پارامترهای اخلاقی، هرج و مرج و آشفتگی اجتماعی است. این نوع از پست مدرنیسم از فلسفه‌های حاکم بر قاره اروپا به‌ویژه از فلسفه «هایدگر»<sup>۱</sup> و «نیچه»<sup>۲</sup>، الهام گرفته و از مرگ موضوع، مرگ مؤلف و عدم امکان حقیقت سخن می‌گوید. از پست مدرن‌های نزدیک به پست مدرنیسم شکاک می‌توان به «دریدا»<sup>۳</sup>، «بودیاری»<sup>۴</sup>، «شالی»<sup>۵</sup>، «ادل مان»<sup>۶</sup>، «اسمیت»<sup>۷</sup>، «توراین»<sup>۸</sup>، «واتیمو»<sup>۹</sup>، «مگیل»<sup>۱۰</sup>، «دالمیر»<sup>۱۱</sup> و «کاری یل»<sup>۱۲</sup> اشاره کرد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

**پست مدرنیسم ایجابی:** پست مدرنیسم‌های ایجابی باز نمود مدرن را انکار می‌کنند؛ اما به امکان معرفت‌شناسانه باز نمود باور دارند. آنان درباره توقف بازنمایی تأکیدی ندارند و برای مثال بعضی از آنها تشکیل بازنمایی از سیاست، استقرار، «مکاشفه»<sup>۳</sup>، «الهام»<sup>۴</sup> و «سمبولیسم»<sup>۵</sup> را در بازنمایی مدرن لازم می‌دانند. پست مدرنیست‌های ایجابی، ضد نخبه‌گرایی هستند، به این معنا که موافق با قضاوت شخص متخصص در هنر، موسیقی یا ادبیات نیستند و به انتخاب آزاد، تعامل و آزادی رأی تأکید می‌ورزند (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

### صاحب‌نظران پست مدرن

از صاحب‌نظران پست مدرن می‌توان به لیوتار، فوکو<sup>۶</sup>، رورتی، بودریار، دریدا، ایهاب حسن، دلوز و گاتاری اشاره

کرد. لیوتار نظریه پرداز سیاسی، فرهنگی و فلسفی فرانسه را «پدر پست مدرنیسم» و کتاب «وضعیت پست مدرن» او را «انجیل» یا «مانیفست پست مدرن»<sup>۷</sup> نامیده‌اند (فانی، ۱۳۸۳). شهرت او بیشتر به خاطر جستار در زمینه موقعیت پست مدرن است. او پست مدرنیسم را لحظه ناباوری به روایت‌های کلان مدرنیته مانند دیالکتیک روح، آزادی کارگران، جمع‌آوری ثروت و جامعه بی‌طرف می‌داند. (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۵۳). میشل فوکو با دیدی متأثر از پساساختارگرایان پژوهش‌های تجربی خود را در زمینه جنون، مجازات و جنسیت، با تکیه بر اسناد و مدارک بایگانی شده فراهم آورد و دریافت که تاریخ تمدن غرب سه شیوه متفاوت و جداگانه‌ی اندیشیدن را تجربه کرده است. فوکو این دوران‌ها را «اپیستمه»<sup>۸</sup> می‌نامد: «اپیستمه عبارت است از مجموعه روابطی که در یک عصر خاص وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی است. این کردارها پدیدآورنده نظام‌های معرفتی است» (ضمیران و دژگاهی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). ریچارد رورتی<sup>۹</sup> که خود را فیلسوف تعلیم و تربیت اما نه به شکل سنتی آن می‌داند، ایده‌های اجتماعی ویژه‌ای دارد که از پیروی او از لیبرال دموکراسی سرچشمه می‌گیرد و به خود نام «پست مدرنیست بورژوا لیبرال» داده است (کهن، ترجمه رشیدیان، ۱۳۸۲ و آهنچیان، ۱۳۸۲) ژان بودریار نظریه «وانمودگی»<sup>۱۰</sup> او که تعبیر «رونوشت بدون اصل»<sup>۱۱</sup> برای آن، دقیق‌تر به نظر می‌رسد؛ انقلابی در فلسفه زبان و نظریه‌های اجتماعی برانگیخته که دنیای مجازات اینترنت و کنش نوشتاری مبتنی به ساحت وب، مثال روشن آن است. به قول خود بودریار «وانموده،

7 . The Postmodern Manifesto.

8 . Episteme.

9 . Rourty.

10 . simulation.

11 . No original copies.

1 . Heidegger.

2 . Nietzsche.

3 . Apocalypse.

4 . inspiration.

5 . Symbolism.

6 . Foucault.

پراکنده نامتعادل ترمودینامیکی که حیاتش توسط زمین و نور خورشید ادامه می‌یابد. در فلسفه فرایند، انسان فرایندی در حال شدن در دنیا به شمار می‌رود. طرفداران فلسفه فرایند، معتقدند با این رویکرد، مطالعات فرهنگی، توسعه فرهنگی و ارتباط فرهنگی هم معنا می‌یابد در این حالت فرهنگ یک منطقه را می‌توان جزئی از فرایند خودآفرینی مردم دانست که در آن مردم می‌کوشند وضع خود را، هم در تئوری و هم در عمل نسبت به طبیعت، به یکدیگر، به جامعه و به بیگانگان مشخص کنند. طرفداران این رویکرد معتقدند که در علم، به‌ویژه در فیزیک سه شاخه وجود دارد که هر کدام با فلسفه فرایند تطابق دارد: نظریه خاص و عام نسبیت، نظریه کوانتوم، نظریه ترمودینامیک که ارتباط میان علم، جهان جاندار و علم، جهان بی‌جان را برقرار کرده است.

#### هستی‌شناسی پست مدرن

دریدا می‌گوید که متافیزیک غرب همواره کوشیده است تا بنای فلسفی خود را بر پایه و شالوده خاص استوار کند. از دوره افلاطون به بعد لوگوس به‌مثابه شالوده‌ای استوار، اساس بحث‌های فلسفی بوده است. لوگوس از دیرباز به معناهای گوناگون چون عقل، اندیشه، کلام، گفتار، پژوهش، دقت و معانی عقلی به کار رفته است. به‌همین دلیل دریدا متافیزیک غرب را لوگوسانتریسم یا عقل و کلام‌محوری نام داده است. در فلسفه غرب حقیقت، معرفت، ارزش و زیبایی در پیوندی گسست‌ناپذیری با لوگوس قرار دارد. دریدا متافیزیک غرب را بر پایه همین بنیاد می‌نگرد که در آن طیف دو قطبی؛ حضور و غیاب، جسم و روح، شکل و محتوا و نظایر آن همواره مطرح بوده و قطب نخست به قطب دوم اولویت داده شده است. یکی از راه‌هایی که دریدا برای گریز از حیطه متافیزیکی پیش می‌نهد، واژگون ساختن اولویت‌های میان تقابل‌های دوتایی است. پست مدرن قصد فروپاشی، اضمحلال و ساخت‌شکنی ثنویت متافیزیکی غرب را دارد و

حقیقت» دارد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳) «ژاک دریدا» فیلسوف جزایری الاصل فرانسوی، پیش‌تاز تئوری «ساختار شکنی»<sup>۲</sup> است. «ایهاب حسن»<sup>۳</sup> از مهم‌ترین منتقدانی است که ظهور پست‌مدرنیسم را در ادبیات اعلام و در ارتقاء و رشد آن تلاش کرد و به طور کلی، پست‌مدرنیسم مورد نظر او فرایندی منفی نیست، بلکه جریانی مثبت، لطیف و شوخ‌طبعانه است. به عقیده او پست‌مدرنیسم تلاش مداوم برای نوشتن امر نانوشتنی است (فانی، ۱۳۸۳).

#### مبانی فلسفی پست‌مدرن

پست‌مدرنیسم‌ها منکر مبانی فلسفی هستند. بنابراین، بکارگیری این مفهوم برای بیان اندیشه‌های آنان تا حدی مسامحه‌آمیز است و نباید آن را به معنای رایج در دوران مدرنیسم در نظر گرفت. برای نمونه ضدیت با فراروایت‌ها توسط بسیاری از پست‌مدرنیست‌ها، به معنی رد هر نظریه متافیزیکی یا معرفت‌شناختی است. در واقع تصور می‌شود که پست‌مدرنیسم پایان متافیزیک، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را اعلام کرده است (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۲). فلسفه پست‌مدرن با توجه به وجوه پسا‌ساخت‌گرایانه خود متضمن نفی هر گونه معنای ثابت و نفی هر گونه تناظر و همسویی یا تطابق و همسانی میان «زبان» و «جهان» است؛ بر اساس دیدگاه پست‌مدرن، جهان فرایند خلاق شدن و بسیار پیچیده است و ما بخشی از آن به شمار می‌رویم. این پرداخت از جهان ملهم از فلسفه فرایند یا حداقل مطابق با این فلسفه است. از نظر فلسفه فرایند، بشریت یک فرایند در حال ظهور یا ترکیبی از فرایندهای طبیعت، جزئی از محیط زیست و ترکیبی از ساختارهای

1. Jacques Derrida.  
2. Decanstraction Theory.  
3. Ayhab H.

طبیعت می‌گوید: اینک دیگر دوران معرفت‌شناسی به سر آمده است و معرفت‌شناسی مرده است. روش تحلیلی و فلسفه تحلیلی اسطوره و افسانه‌ای بیش نیست و مهم‌تر اینکه فلسفه و علم صرفاً اشکالی از ادبیات هستند (رورتی، ۱۹۷۹).

### ارزش‌شناسی پست‌مدرنیسم

پست‌مدرنیست‌ها موافقند که تمام ارزش‌ها، پرسش‌های هنجاری، احساسات و عواطف محصول انسان روشنفکر است. جهت‌گیری ارزشی پست‌مدرن به گونه‌ای است که بسیار کم سرمشق یا الگو تعیین می‌کند. در واقع متناسب با تنوع و تکثر گروه‌ها، ارزش‌های خاص بی‌شماری می‌توانند ظاهر شوند و بر مبنای خواست افراد و گروه‌ها نظم یابند یا در هم ریزند، حفظ شوند و یا تغییر کنند. یکی از تفاوت‌های جهت‌گیری ارزشی مدرن با پست‌مدرن در این است که نظام‌های ارزشی مدرن، اغلب انحصاری است و از اعضایشان می‌خواهند که از همه ارزش‌های آنها دنباله‌روی کنند. در حالی که هواداران جهت‌گیری ارزشی پست‌مدرن، می‌توانند ارزش‌هایشان را در مجموعه‌ای کم‌وبیش بی‌پایان از جابه‌جایی و تغییر احتمالی ترکیب کنند. رابرت ناش فضیلت‌ها و ارزش‌های مورد حمایت مدرنیسم را خودانضباطی، تعهد اخلاقی، تحمل و بردباری، سخاوت، بخشندگی و انصاف می‌داند که هر یک از آنها برای ارتباط با دیگران لازم است. او فضیلت‌های پست‌مدرن را، حساسیت نسبت به واقعیت‌ها قیاس‌ناپذیری، تعیین‌ناپذیری، غیربنیادگرایی، و آگاهی هرمنوتیکی می‌داند (ناش، ۱۹۹۷). ارزشهایی که پست‌مدرنیسم به‌ویژه در تعلیم و تربیت روی آن تأکید دارد شامل خلاقیت، تحمل عقاید دیگران و آزادی، اهمیت احساسات و هیجان‌ها، صداقت و درستکاری، اهمیت و ارزش عواطف و هیجانها، اهمیت شهود، کوشش برای حمایت از گوناگونی و تفاوت است. مک کارتی بیان می‌دارد که ارزش پست‌مدرنیسم، بیش از هر چیزی متوجه

بیان می‌دارد نیاز به یک متافیزیک است که به مادی و معنوی وحدت بخشد. مواردی را که در حیطه‌های جدا و با نام دینی و غیردینی، مادی و غیرمادی مطرح است، را در کنار هم قرار دهد. وسیع‌ترین اصطلاحی که پست‌مدرنیست‌ها در این زمینه به‌کار می‌گیرند، متافیزیک کل‌گرایانه است (کیوانی، ۱۹۸۱). اگرچه پست‌مدرنیست‌ها معتقدند ما به پایان متافیزیک نزدیک می‌شویم، اما نوشته‌هایشان پر از مفروضات عمومی درباره فرهنگ، ماهیت انسانی و ارزش‌هاست (بک، ۱۹۹۹).

### معرفت‌شناسی پست‌مدرن

مبانی معرفت‌شناسی پست‌مدرن بر این اصل استوار است که نتایج و دستاوردهای استنباطی ما به زمان و مکان خاصی وابسته است و تعمیم‌پذیر نیست. در واقع ضدیت با فراروایت‌ها توسط بسیاری از پست‌مدرنیست‌ها، به معنی رد هر گونه نظریه معرفت‌شناختی است. معرفت‌شناسی پست‌مدرنیسم، هدف خود را در خارج از جهان جست و جو نمی‌کند و بیشتر متوجه زمان حال است تا آینده و گذشته. از نظر پست‌مدرنیسم‌ها برای شناخت واقعی خود، نخست باید زمینه‌های زندگی خود را درک کرد و فرد فقط در همان بستر مکانی و لحظه تاریخی که زندگی می‌کند قابل شناسایی است (ویلسون، ۱۹۹۷). پست‌مدرنیست‌ها، باور مدرنیست‌ها به عقل انسانی برای رسیدن به حقیقت را قابل دفاع و پذیرفتنی نمی‌دانند. به‌زعم پست‌مدرنیست‌ها عقل قادر به ارائه یک الگوی جهانی واحد و معتبر نیست، بلکه فقط می‌تواند الگوهای محلی و خاص را ارائه دهد (هرست و وایت، ۱۹۹۷). در مجموع می‌توان گفت در پست‌مدرنیسم معیار مشخص و معینی برای مشخص کردن معرفت ارائه نشده است. در فلسفه پست‌مدرن به هر گونه روش شناخت پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه) یا روش‌شناسی علمی برگرفته از پوزیتیویسم انتقاد می‌شود. « رورتی در کتاب فلسفه و آیین

## پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت

دربردارنده خشونت، قفل‌وبندهای اداری و سازمانی، رکود برنامه‌های درسی، ارزشیابی نامطلوب، تضاد سیاسی، بحران اقتصادی، پیدایش انحطاط، خستگی احساسی و عاطفی، غیراخلاقی شدن آموزش و کارکنان و ناامیدی هستند. از نظر پست مدرنیست‌ها، تأثیرات فناورانه جامعه مدرن بر تعلیم و تربیت سبب افزایش احساس ناامیدی و ناتوانی شده است. چرا که در تربیت از نوع مدرنیسم، تربیت عاطفی و احساسی نادیده گرفته می‌شود و بر نوعی تربیت متکی بر «عقلانیت تکنیکی»<sup>۲</sup> تأکید می‌شود (اسلیتری، ۱۹۹۵، ص ۸۶-۲۸۵).

از نظر ژيرو (۱۹۹۲) پتانسیل‌های بخشی<sup>۳</sup> یکی از زمینه‌های تربیت پست مدرنی است که می‌توان از آن برای رفع بحران‌های تربیت مدرنیسم استفاده کرد. از نظر وی و افرادی مانند مک لارن<sup>۴</sup>، تربیت سیاسی<sup>۵</sup> یکی از جنبه‌های مهم تربیت و تربیت فرانوگرایانه است. آرون ویتس و ژيرو<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) تعلیم و تربیت مطلوب از دیدگاه فرانوگرایی را تربیتی می‌دانند که در آن صدای فرهنگ‌های دیگر نیز شنیده می‌شود. از نظر آنان اگر فرهنگ مسلط در متون درسی آهسته‌تر سخن بگوید، صدای پای خرده‌فرهنگ‌ها در آن شنیده خواهد شد. از نکات مورد توجه پست مدرنیسم در عرصه تعلیم و تربیت ارج نهادن آنها به اقلیت‌های قومی، نژادی و جنسیتی و همچنین حمایت از تربیت چندفرهنگ‌گرا است (نجاریان و همکاران، ۱۳۸۱). پست مدرنیسم با پذیرش برابری همه فرهنگ‌ها درصدد است به تکرر فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت دامن بزند. در تعلیم و تربیت پست مدرن امکان طرح و اجرای یک برنامه فراگیر و نظام‌یافته برای رشد و تربیت از دیدگاه مریبان این

مشروعیتی است که به ذهنیت‌های حاشیه‌ای می‌دهد و آن را به میان می‌کشد (مک کارتی، ۱۹۹۷). بیشتر پست مدرنیست‌ها نمی‌توانند بر اصول اخلاق ثابتی به‌عنوان عمل اجتماعی تأکید کنند، آنها معمولاً از قضاوت‌های اخلاقی اجتناب می‌کنند. آنها بیان می‌دارند که ارزش‌ها درونی یا ذاتی نیستند، بلکه به‌وسیله انتخاب گفتگو و مذاکره و تصرف تعیین می‌شوند (مک لاین، ۱۹۹۶). در رابطه با اخلاق باید به این نکته اشاره کرد که از دیدگاه پست مدرنیسم اخلاق امری محلی و خاص است. یعنی هیچ هنجار اخلاقی جهان‌شمول وجود ندارد و ارزش‌ها را باید در درون گفتمان پیدا کرد. نگاه پست مدرن به اخلاق نگاهی درونی است. انسان نجیب و شایسته به تبع شرایط و اوضاع و احوال تاریخی معنا دارد و امری نسبی است. حقایق و ارزش‌ها را باید در درون گفتمان پیدا کرد. از دیدگاه پست مدرنیسم اخلاق امری محلی و خاص است. در مجموع می‌توان گفت مبانی، اصول و روش‌های اخلاقی ثابت و یکسان از نظر پست مدرنیست‌ها بی‌معنا است. در تربیت اخلاقی پست مدرن، تربیت مبتنی بر شیوه دموکراتیک و غیراقتدارگرا تجویز می‌شود (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۶۷).

## پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت

از آنجا که پست مدرنیسم به‌معنای تبیین بحران‌های عصر مدرنیسم است، در تربیت نیز به‌معنای بررسی بحران‌های تعلیم و تربیت و برنامه درسی در عصر مدرن است. متفکران پست مدرن بر این باورند که تعلیم و تربیت مدرنیسم بحران‌زده است و باید از تعلیم و تربیت و عناصر آن، تعریف جدیدی ارائه کرد. یکی از انتقادهای رویکرد پست مدرنیسم نسبت به تعلیم و تربیت معاصر است (پیترز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۵). از نظر اسلتری (۱۹۹۵)، نظام‌های آموزشی عصر نوگرایی و مدرن

2 - Technical Rationality  
3 - Emancipatory Potential  
4 - McLaren  
5 - Political pedagogy  
6 - Aronwitz & Giroux

1 - Peters

ارج نهادن به «تفاوت‌ها»<sup>۲</sup>، برقراری عدالت و بیان تفاوت‌ها، تربیت دموکراتیک، پرورش قوه انتقاد، «شهود»<sup>۳</sup> و «تخیل»، توجه به مسائل محیطی و مشکلات ناگوار ناشی از مدرنیته، ارج نهادن به فرهنگ‌های متکثر، توجه به معنای واقعی آزادی فرد و برخورداری دانش‌آموز از منابع متنوع دانش از جمله دلالت‌های تربیتی پست‌مدرن به ویژه در دیدگاه «لیوتار» است (فانی، ۱۳۸۳).

#### برنامه درسی پست‌مدرن

پست‌مدرنیست‌ها با اجرای برنامه‌های درسی تجویزی، از پیش تعیین‌شده و قابل‌اندازه‌گیری موافق نیستند. پست‌مدرنیسم برداشت‌های جدیدی را وارد تحلیل برنامه درسی کرد که پیچدگی‌ها، تناقض‌ها، تضادها و شبکه‌های غیرقابل پیش‌بینی از روابط را پذیرا باشد (دایره‌المعارف برنامه درسی، ۲۰۱۰: ص ۶۸۸). تلاش برای شناخت برنامه درسی به‌عنوان موضوعی فرانوگرایانه را دال<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) آغاز کرد. وی مدلی با عنوان «برنامه درسی تحولی»<sup>۵</sup> مطرح کرد که در واقع نوعی خروج از تفکر مبتنی بر عقلانیت فن‌گرا است که در آن بر مفهوم «بی‌نظمی»<sup>۶</sup> تأکید می‌شود. از نظر اسلتری (۱۹۹۵) برنامه درسی پست‌مدرن بر مباحثی که سبب افزایش آگاهی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی، بوم‌شناختی<sup>۷</sup>، الهیات<sup>۸</sup>، زیبا شناسی<sup>۹</sup> می‌شود، تأکید دارد. در مدل برنامه درسی پست‌مدرنی با اهمیت به رویکرد کل‌گرایانه و مسائل بوم‌شناختی، مرزهای صوری و ساختگی بین کلاس درس و محیط جامعه برداشته می‌شود، بنابراین در تربیت فرانوگرایانه بر نوعی «تربیت تحولی»<sup>۱۰</sup> تأکید

رویگرد وجود ندارد، رورتنی معتقد است که تعلیم و تربیت باید در جهت خود-آفرینندگی گام بردارد و به دانش‌آموزان اجازه داده شود تا توانایی خود را به بهترین نحو نشان دهند (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۲). تعلیم و تربیت از نظر پست‌مدرنیسم‌ها باید به دانش‌آموزان فرصت لازم را بدهد تا ظرفیت انتقادی خود را گسترش دهند. این نوع تعلیم و تربیت به جای تربیت شهروندان صرفاً خوب به تربیت شهروندان انتقادی همت گمارد. شهروندانی که قادر به درک تناقضات، نابرابری‌های اجتماعی و سلطه باشند. در دیدگاه پست‌مدرن به دانش عملی بها داده می‌شود و دانش‌آموزان باید برای کار بستن یاد بگیرند.

#### اهداف تعلیم و تربیت پست‌مدرن

گرچه متفکران پست‌مدرنیسم و نظریه‌پردازان برنامه درسی که طرفدار آنان هستند، به‌طور مستقیم به این موضوع نپرداخته‌اند و یا این که در نهایت به یک جنبه با هدف خاص تأکید کرده‌اند، لیکن می‌توان از مجموع سخنان آنان اهداف زیر را برای تعلیم و تربیت پست‌مدرن استخراج کرد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳).

- تربیت شهروندان انتقادی؛
- فراهم آوردن شرایطی برای برقراری دموکراسی رادیکال؛
- تأکید و توجه بر گفتمان سازندهی دانش؛
- بررسی تفاوت و نظام‌های تفاوت به‌منزله هدفی تربیتی؛
- تأکید بر دانش عملی؛
- توجه به فرهنگ عمومی و مطالعات فرهنگی؛
- خود-آفرینندگی؛

«اشرو و ادواردز» معتقدند که هیچ گفتمان تربیتی یکه‌ای وجود ندارد (اشرو و ادواردز، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از آهنچیان، ص ۵۷)

2 . Difference.

3 . Intuition.

4 - William, E. Doll, Jr

5 - Transformative Curriculum

6 - Chaos

7 - Ecological

8 - Theology

9 - Aesthetics

10 - Transformative pedagogy

1 . education of critical citizens.

ارتقای سطح بر اساس اندازه‌گیری کمی چون سال تحصیلی و پایه درسی نادیده گرفته می‌شود. جریان یادگیری تا رسیدن دانش‌آموز به جایی که صلاحیتی را در خود احساس کند، ادامه خواهد داشت. اما استفاده از نتایج خودارزیابی و مشورت با هر یک از اعضای نظام آموزشی مورد توجه مربیان پست‌مدرن است (فرمینی فراهانی، ص ۱۶۲). نقش ارزشیابی کمک به فرد است تا وضع خود را با ملاک‌های قراردادی شخصی مقایسه کند و بکوشد تا ضعف‌های خود را ترمیم و اصلاح کند. مشورت با دیگران برای کمک به هرچه درست و دقیق‌تر کردن تصویر خود نیز توصیه می‌شود (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱).

### کتابشناسی

آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۱). *مناسبات انسانی در سازمانهای آموزشی از دیدگاه مربیان مدرن و پست مدرن*، رساله دکترا، دانشگاه خوارزمی تهران (تربیت معلم)، تهران.

فانی، حجت‌الله (۱۳۸۳). *دلالت‌های تربیتی دیدگاه پست‌مدرنیستی لیونار و تقد آن*، رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۲). *بررسی دیدگاه‌های تربیتی پست‌مدرنیسم، مجله دانشور*، سال دهم، ویژه‌نامه علوم تربیتی شماره ۱، صص ۵۱-۶۸

فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). *پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات آبیژ.

فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). *پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات آبیژ.

باقری، خسرو (۱۳۷۵). *تعلیم و تربیت در منظر پست‌مدرنیسم*. مجله *روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال دوم، شماره ۴-۱.

مک‌لالین، تیم؛ کریستوفر کیپ؛ رابین پارمار، (۱۳۸۲). *تعریف پست مدرنیسم*. ترجمه یوسف نوری‌زاده. *نشریه فرهنگ و هنر، ادبیات داستانی*، شهریور ۱۳۸۲، شماره ۷۲، (صص ۵۷-۵۷).

نجاریان، پروانه، پاک‌سرشت، محمدجعفر، صفایی مقدم، مسعود (۱۳۸۱). *مضامین پست‌مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن*. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال ۱۳۸۱، دوره سوم، سال نهم، شماره ۱ (صص ۸۹-۱۰۶).

می‌شود به گونه‌ای که آموزش و تربیت، نوعی همراهی معلم و دانش‌آموزان در یک سفر اکتشافی است (اسلیتری، ۱۹۹۵، صص ۲۴-۲۲). کین چلو<sup>۱</sup> و استاین برگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) مدلی از برنامه درسی فرانوگرایانه را با عنوان مدل مبتنی بر «تفکر مابعد رسمی»<sup>۳</sup> مطرح می‌کنند. استانلی<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) معتقد است که در برنامه‌های درسی جدید مبتنی بر رویکرد فرانوگرایی باید جهت‌گیری‌هایی درخصوص مبارزه با اشکال معینی از سلطه در قالب جنسیت‌گرایی، نژادگرایی، رویکرد تک‌صدایی، ظلم، فشارهای سیاسی و سانسور مورد توجه قرار گیرد.

### محتوای درسی پست مدرن

برنامه درسی پست‌مدرن بر مباحثی تأکید دارد که سبب افزایش آگاهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، بوم‌شناختی، زیبایی‌شناختی و الهیات می‌شود. محتوای برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که افراد را در زمینه «شدن» قرار دهد. برنامه درسی پست‌مدرن بر ابعاد هنری، ناعقلانی، شهودی و نمایشی فرد در فرایند یادگیری تأکید دارد (فرمینی، ۱۳۸۳، صص ۲۲۶). یکی از تعابیر مربوط به پست‌مدرن در زمینه محتوا، اصطلاح تعبیر جعبه یادگیری است که به‌عنوان مصرف‌کننده آموزه‌های پست مدرن، هنگامی که ذهن خود را وارد این جعبه می‌کند، بسته به آنچه می‌خواهی یا آنچه می‌پسندی، همان چیزی را بیرون می‌آوری که پیش از ورود به جعبه در نظر داشته‌ای، نه آنچه را که هست (آهنچیان، ۱۳۸۳، صص ۵۲).

### ارزشیابی پست‌مدرن

مفهوم امتحان و نمره در پست مدرن جایی ندارد، حتی

1 - Joe, L. Kincheloe  
2 - Shirley, R. Steinbery  
3 - Post -formal thinking  
4 - Stanley

Allyn and Bacon, Boston.

Peters, R. (1975). Education and the educated man. In R. Dearden, P. Hirst & R. Peters (Eds.), *A Critique of Current educational aims* (1-15). Routledge & kengan paul, London.

Good, R (1996). *Perspectives of posmodernism and science education*. Anaheim, U.S.A, Louisiana

Aronwitz, S.& Gioux, H. (1991). *Postmodern education politics, culture, and social criticism*. University of Minnesota press.

محسن فرمهبینی فراهانی (دانشیار دانشگاه شاهد)

ضمیران، محمد؛ دژگاهی، صغری (۱۳۸۵). بررسی اهداف آموزشی از دیدگاه میشل فوکو. *فصلنامه اندیشه نوین تربیتی*، شماره ۵۶، کهن، لارنس (۱۳۸۲). *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*. ترجمه عبدالکریم رشیدیان، انتشارات نی .

Slattery, p. (2006). *Curriculum development in the postmodern ear*. Garland pub. INC. Newyork and London.

Stanley, w.(1992), *Curriculum for utopia: Social reconstructionism and critical pedagogy in the postmodern era*. Albany, Ny: state University of Newyork Press.

Quinney, R. (1981). *The Search For A Postmodern Metaphysics*, Boston College. *Journal Thinking Fringe All Elsa Review*, November

Rorty, R.(1979)." *Philosophy and Mirror of Nature*. Princeton. Pup

Wilson, B. (1997). *The Postmodern Paradigm*. Engleword Cliff.

Nash R.(1997). "Answering the virtue crates, A moral conversation on character education". New York. Teachers college press

Kincheloe, J. & Steinberg, S. (1993), *A tentative description of postformal thinking*. *Harvard Educational Review*, 63(3), 296-320.

Lather, p. (1991). *Deconstructing/ deconstructive inquiry: the politics of knowing and being known*. *Educational Theory*, 41(2), 153-173.

Usher, R, Brayan, I and Johnston, R (۱۹۹۷). *Adult Education and The Postmodernism challenge*. London, Routledge.

Cahoone, L.(۱۹۹۶). "From Modernism to postmodernism". Massachusetts, cambridge.

Marshall; Peters, M .(۱۹۹۴). *Postmodenism and Education*. In *The Inten- ational Encyclopedia of Education*

Beck , C. (1999). *Postmodernism, pedagogy and philosophy of education* Ontario institute for studies in education

Kerka, S .(۱۹۹۷). "Postmodenism and Adult Education". [Http: orders .Comlmembers/sp](http://orders .Comlmembers/sp).

Lehrer, J. (2009). *How We Decide*. Boston: Houghton Mifflin Harcourt.

Giroux. (1991)." *Toward a postmodern pedagogy*". Section of the *Introduction To Postmodernism, Feminism. and Cultural Politics*. Albany: State University of New York press

MacLean'S.(1996)." *Continuing education and the postmodern arts of Power*" . *Canadian journal of university continuing education*. 22. No. 2. Fall 1996

McCarty L. (1997)." *Experience and the postmodern shift education theory*, vole 74. No .3.

Doll, Jr. W. (1989). *Foundation of a postmodern curriculum*. *Journal of Curriculum Studies*, 21,243-253.

*Encyclopedia of Curriculum Studies* (2010). Craig Kridel< Editor. SAGE, LosAngeles, London.

Giroux, H. A (1992). *The emancipation of teaching*. Richard, John, m (ed). *Innovation in education: Reforms and critics:*